

نقش شایستگی‌های حرفه‌ای استادان بر انگیزش تحصیلی دانشجویان با میانجی‌گری محبوبیت اجتماعی: مطالعه موردی پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان اصفهان^۱

حکیمه خاتون نوری امامزاده^۲، سید علی سیادت^۳، عبدالرسول جمشیدیان^۴

چکیده

حوزه علوم تربیتی تأیید گردید و برای پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی به‌وسیله نرم‌افزار آمار SPSS و AMOS استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین شایستگی حرفه‌ای اساتید با انگیزش تحصیلی دانشجویان به‌طور مستقیم رابطه وجود دارد ($P < .01$) و متغیر محبوبیت اجتماعی، این ارتباط را به‌طور معناداری میانجی‌گری می‌کند ($P < .01$). با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین نتیجه گرفت که شایستگی حرفه‌ای و محبوبیت اجتماعی اساتید، نقش مؤثری در تقویت انگیزش تحصیلی دانشجویان دارد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود از نتایج پژوهش حاضر به‌عنوان چارچوبی برای بهبود عملکرد اساتید در جهت تقویت انگیزش تحصیلی دانشجویان استفاده شود.

واژگان کلیدی: شایستگی حرفه‌ای، انگیزش تحصیلی، محبوبیت اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، توصیفی - همبستگی.

شایستگی حرفه‌ای و محبوبیت اجتماعی اساتید و به‌موازات آن انگیزش تحصیلی دانشجویان را می‌توان به‌عنوان سه مؤلفه اساسی در بهبود فرایندهای آموزشی قلمداد کرد. در همین راستا، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی رابطه بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید انجام پذیرفت. روش این پژوهش توصیفی - همبستگی بوده و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۳۰۸۰ نفر تشکیل دادند که با استفاده از جدول کرجسی - مورگان و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه به تعداد ۳۴۲ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته شایستگی حرفه‌ای اساتید، پرسش‌نامه استاندارد انگیزش تحصیلی والرند و پرسش‌نامه بازنگری شده محبوبیت اجتماعی اساتید معدن‌دار آرانی و پاریاد، استفاده گردید. روایی پرسش‌نامه توسط اساتید

۱- تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

۲- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان،

ایران. (نویسنده مسئول) hakemehnoori@gmail.com

۳- استاد مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران.

۴- مربی مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران.

مقدمه

برخورداری از نیروی انسانی شایسته و بانگیزه برای هر سازمانی، یک سرمایه بی‌بدیل محسوب می‌شود؛ سرمایه‌ای که با قدرت تفکر، ابتکار، و دانش‌آفرینی خود به توسعه و بقای سازمان کمک می‌کند و خاستگاه اصلی تربیت این منبع عظیم، نظام‌های آموزش عالی و آموزش و پرورش است. در این رهگذر، نقش اساتید دانشگاه شایان توجه است تا از یک سو، بنیان ایجاد دانش و ارزش‌های جدید را برای دانشجویان و دانشگاه و نهایتاً جامعه بنا کنند و از سوی دیگر، زمینه رشد و پرورش دانشجویان و انگیزه‌بخشی و مهیا ساختن آن‌ها برای جامعه را فراهم آورند (Blaskova et al, 2014). بنابراین، نقش چنین سرمایه ارزشمندی در آموزش عالی و به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان انکارناپذیر است، چرا که دانشگاه فرهنگیان تربیت‌کننده دانشجو معلمانی است که در توسعه و پیشرفت کشور و پرورش نسل آینده نقش بسزایی دارند. وجود اساتید شایسته و محبوب از یک سو و دانشجویان بانگیزه از سوی دیگر، می‌تواند در جهت تحقق رسالت و اهداف این دانشگاه مثرتر واقع شود. از این رو، انتظار می‌رود که اساتید این دانشگاه، باتکیه بر جایگاه و محبوبیت خود و نیز برخورداری از شایستگی‌های حرفه‌ای و به‌کار بستن آن، در راستای انگیزه‌مند ساختن دانشجویان در جهت تحقق اهداف آموزشی گام مؤثری بردارند. به‌عبارت‌دیگر، دانشجویان به‌عنوان مخاطبان نظام آموزش عالی حق دارند در سایه استادان توانا و شایسته پرورش یابند و همین امر سبب اهمیت یافتن موضوع شایستگی در محیط‌های دانشگاهی شده است.

اصطلاح شایستگی حرفه‌ای^۱، متناسب و برآمده از دنیای پرتحول امروز است؛ چرا که در گذشته، نیروی انسانی با چالش‌ها و ابهامات کمتری روبه‌رو می‌شد و لذا به دانش و مهارت کمتری نیاز داشت. اما در شرایط مبهم و پیچیده امروز، مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌ها برای عملکرد مطلوب حرفه‌ای ضرورت دارد (Mulder, 2014). شایستگی، مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که یک استاد را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های خود را به‌صورت اثربخش در چارچوب استانداردهای مورد انتظار انجام دهد و برای انجام حرفه خود، از هر جهت آمادگی کامل داشته باشد

(اسلمی و همکاران، ۱۳۹۷). در فرهنگ Oxford (۲۰۱۵)، شایستگی به‌عنوان قدرت و توانایی انجام‌دادن یک وظیفه و برخورداری از دانش و توانایی انجام موفقیت‌آمیز وظایف تعریف شده است و به خصوصیات اشاره دارد که زیربنای رفتار هستند. این ویژگی به فردی نسبت داده می‌شود که در کار خود توانمند و کارآمد باشد (Velasco et al, 2014). در واقع شایستگی به‌عنوان جوهره‌ای از مهارت‌ها و استعداد‌های کلیدی و حرفه‌ای و الگوهای رفتاری شناخته می‌شود که به فرد کمک می‌کند تا به‌منظور تحقق موفقیت‌آمیز اهداف تعیین شده و اجرای وظایف و مسئولیت‌های حرفه‌ای خود، از آن‌ها استفاده کند (Blaskova et al, 2014). شایستگی جامع‌ترین ویژگی یک فرد است که با عملکرد عالی وی در یک موقعیت شغلی خاص مرتبط است؛ به‌عبارت‌دیگر، منظور از شایستگی، برجسته بودن فرد در ویژگی‌ها و شایستگی‌های چندگانه است که تضمین‌کننده ثبات شخصیتی فرد و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای آتی وی در موقعیت‌های مختلف کاری است. به‌زعم وی، افراد شایسته به‌مثابه منابعی ارزشمند، کمیاب و غیرقابل‌جایگزین هستند که می‌توانند به‌عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان محسوب شوند (Nair, 2017). (Perrenoud, 2013)، شایستگی را نیرویی می‌داند که به‌طور اثربخش در موقعیت‌های خاص عمل می‌کند و منابع هیجانی و ادراکی را در یک موقعیت واقعی، به شیوه مناسب به حرکت درآورده و با هم ترکیب می‌کند. وی درعین‌حال شایستگی را پایه و اساس کارهای انسان و جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی افراد دانسته است.

باتوجه‌به این تعاریف می‌توان گفت شایستگی حرفه‌ای به معنای برخورداری از توانایی‌های خاصی است که برای انجام یک شغل یا حرفه موردنیاز است و ترکیب جامعی از توانایی‌های فکری، دانش محتوایی خاص، مهارت‌های شناختی، راهبردهای ویژه، تمایلات انگیزشی، جهت‌گیری‌های ارزشی و رفتارهای اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ به‌طوری‌که پیش‌نیازهای لازم برای انجام یک حرفه خاص را محقق می‌سازد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۷). تحقیقات آموزشی اخیر نیز، اصطلاح شایستگی حرفه‌ای برای توصیف پیش‌نیازهای خاصی استفاده می‌شود و شامل مجموعه یکپارچه‌ای از دانش، مهارت و نگرش است که معلمان و مدرسان برای

موفقیت در کار لازم دارند به طوری که این مجموعه در عملکرد آن‌ها تجلی یابد (یوزباشی و پژوهی، ۱۳۹۷).

در همین رابطه، (Menges ۱۹۹۱) با اشاره به خلأ آموزش نظام‌مند، بر این باور است که بهبود فعالیت‌های اعضای هیئت‌علمی نه تنها نیازمند تخصص در رشته علمی خاص، بلکه مستلزم تقویت مهارت‌ها و تخصص‌های دیگر مانند روان‌شناسی یادگیری، مدیریت و سازماندهی فرایندهای آموزشی و گروهی است (هدهدی، ۱۳۹۷). در این راستا (Blaskova et al, 2014)، شایستگی‌های اساتید را در هفت دسته طبقه‌بندی کرده‌اند که شامل شایستگی حرفه‌ای، شایستگی آموزشی، شایستگی انگیزشی، شایستگی ارتباطی، شایستگی‌های فردی، شایستگی‌های علمی و پژوهشی، و شایستگی در زمینه چاپ و نشر می‌باشد.

(Valica & Rohn, 2013)، شایستگی‌های اساتید را شامل شایستگی‌های تخصصی و فنی، شایستگی‌های مسئولیت‌پذیری و وجدانی و اخلاقی، شایستگی‌های روان‌شناسی - تربیتی و روش‌شناختی - آموزشی، و شایستگی توسعه حرفه‌ای می‌دانند (به نقل از Velasco et al. Nair, 2017) در پژوهشی که در سال ۲۰۱۴ بر روی اساتید دانشگاه انجام دادند هشت مهارت حرفه‌ای را به‌عنوان اساس توسعه و رشد دانشجویان در نظر گرفتند. ۱- ارتباطات شفاهی و نوشتاری ۲- کار تیمی ۳- یادگیری مستقل ۴- توانایی کاربرد دانش در عمل ۵- ظرفیت سازگاری با موقعیت‌های جدید ۶- روحیه کارآفرینی ۷- مهارت رهبری ۸- داشتن بینش جهانی (Velasco & et al, 2014). در همین رابطه، (Boyer ۱۹۹۰) اظهار داشته است که کار اساتید شامل چهار کارکرد متفاوت: کشف^۱ (توسعه مرزهای دانش در یک‌رشته)؛ ادغام^۲ (قراردادن اکتشافات پژوهشی در زمینه‌های وسیع‌تر و ایجاد ارتباط بین رشته‌ها)؛ کاربرد^۳ (استفاده از نتایج کشف و ادغام به‌منظور حل مشکلات و پیامدهای اجتماعی)؛ و تدریس^۴ (کمک به دانشجویان برای

-
- 1 . discovery
 - 2 . integration
 - 3 . application
 - 4 . teaching

دستیابی به دانش، توسعه مهارت‌ها و نگرش) می‌باشد (به نقل از Blaskova et al, 2014).

در مجموع، می‌توان گفت حرفه‌آشنایی دانشگاه ماهیتاً پیچیده و متنوع است به طوری که یک استاد شایسته باید همواره در حال آموختن باشد و شخصیت خود را پرورش و قابلیت‌های خود را توسعه دهد و دانشگاه‌ها نیز بایستی قابلیت‌ها و شایستگی‌های منابع انسانی خود را به طور مستمر توسعه دهند تا بتوانند پاسخگوی شرایط نوین محیطی باشند (Blaskova et al, 2015) به موازات متغیر شایستگی حرفه‌ای، نقش محبوبیت اجتماعی^۱ اساتید را که تا حد زیادی از نحوه تعامل استاد با دانشجویان در محیط‌های آموزشی حاصل می‌شود، نمی‌توان نادیده انگاشت؛ چرا که از یک سو، تمایل اساتید برای کسب محبوبیت نزد دانشجویان باعث تلاش بیشتر آنها در جهت توسعه شایستگی حرفه‌ای‌شان می‌شود و از دیگر سو، محبوبیت اساتید یک عامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی قلمداد می‌شود. محبوبیت در لغت به این معنا است که کسی یا چیزی مورد محبت دیگران واقع شود و برای دیگران دوست‌داشتنی باشد. در فرهنگ معین، محبوب به معنای دوست داشته شدن و مورد محبت و دوستی واقع شدن، تعریف شده است (معین، ۱۳۸۴) و مترادف با حسن شهرت، معروفیت، مقبولیت عام و وجاهت می‌باشد. در واقع محبوبیت به جایگاه و موقعیتی که فرد در نزد دیگران دارد و به خاطر آن مورد احترام قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). دستیابی به محبوبیت اجتماعی از جمله نیازهای فطری انسان است که در جهت رشد و شکوفایی شخصیت تأثیرگذار است و چنانچه پاسخی مناسب به این نیاز داده نشود نه تنها فرد آسیب خواهد دید؛ بلکه این مهم، زمینه‌ساز ناسازگاری‌های شدیدی در سطح شخصیت وی می‌گردد (عابدینی مزرعه و همکاران، ۱۳۹۷).

محبوبیت اجتماعی به‌عنوان یک مشخصه اساسی که بر دیگر متغیرهای سازمانی تأثیرگذار است، مطرح می‌باشد و مطالعه آن در سازمان‌ها از لحاظ این که آشکار می‌سازد چرا برخی از افراد در مقایسه با دیگران محبوب‌تر هستند حائز اهمیت می‌باشد. همچنین مطالعه محبوبیت به محققان در فهم این که افراد محبوب

در محیط‌های سازمانی چگونه و تا چه میزان قادرند بر دیگران تأثیرگذار باشند، کمک می‌کند (Scott & Judge, 2009). در واقع محبوبیت اجتماعی، یکی از سرمایه‌های انسانی است که در اجتماع شکل می‌گیرد و تأثیر زیادی بر روابط اجتماعی افراد می‌گذارد. غالباً افراد مایلند بدانند که آیا واقعاً مورد پذیرش دیگران هستند یا نه؟ از چه میزان اعتباری در بین دیگران برخوردارند؟ و چگونه می‌توان محبوبیت و مقبولیت شایسته‌ای در اجتماع به دست آورد؟ (لقمانی، ۱۳۸۵). معیار اندازه‌گیری محبوبیت اجتماعی را می‌توان میزان سازگاری فرد با دیگران دانست که شامل زمینه‌های مختلفی از جمله، استقلال، پذیرش مسئولیت، تعامل با دیگران، امیدواری، خوش‌بینی، شرکت در اجتماعات، تأثیر اجتماعی، همکاری، نوع‌دوستی، همدلی و رفتار جامعه‌پسند می‌باشد. در واقع، انسان‌های محبوب از مشخصه‌هایی مانند: اهمیت‌دادن و توانایی یاری رساندن به دیگران؛ نفوذ و توانایی رهبری؛ توانایی احساس کردن عواطف و درک موقعیت دیگران؛ توانایی امید بخشیدن، انگیزه دادن، رشد دادن و تصدیق موفقیت دیگران؛ برخوردارند که به‌شدت در روابط آنها با دیگران و نوع نگاه مردم به آنها تأثیرگذار است (Maxwell, 2011).

اصطلاح محبوبیت اجتماعی را می‌توان از طریق سه مؤلفه اعتبار اخلاقی، اعتبار ارتباطی و اعتبار مدیریتی مورد بررسی قرار داد. اعتبار اخلاقی، بیشتر ناظر بر مجموع اعمالی است که موازین و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی و قابل قبول را در رفتار اساتید در برخورد با دانشجویان به نمایش می‌گذارد (معدن دار آرانی و پاریاد، ۱۳۹۰). موازین اخلاقی، بیانگر رعایت اصول اخلاقی در محیط‌های آموزشی می‌باشد که نیازمند مهارت‌ها و توانایی‌هایی مانند نگرش و درک مثبت و تعهد نسبت به یادگیری دانشجویان، گام برداشتن در راستای استانداردهای اخلاقی، درک تفاوت‌های فرهنگی و احترام به افکار و عقاید آنها می‌باشد (اسلمی و همکاران، ۱۳۹۷). اعتبار ارتباطی، نشان‌دهنده مهارت‌های کلامی و غیرکلامی استاد برای برقراری ارتباط همدلانه با دانشجویان است (معدن دار آرانی و پاریاد، ۱۳۹۰) و شامل کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و رفتاری - حرکتی است که برای انتقال معنی و مفهوم و یا اثرگذاری و نفوذ بر آنها به کار می‌رود (ترابی و ظهیری، ۱۳۹۱). در محیط‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباطی استاد در شکل‌گیری آموزش مؤثر نقش

مهمی ایفا می‌کند و در واقع پویایی جریان تدریس به میزان ارتباط بین استاد و دانشجو بستگی دارد؛ به طوری که تدریس به‌عنوان هنر زمانی تحقق می‌یابد که بیشترین تعامل بین استاد و دانشجو وجود داشته باشد (مهرمحمدی، ۱۳۸۰ به نقل از سلامی و صمدی، ۱۳۹۷). اعتبار مدیریتی نیز بیانگر تسلط غیر آمرانه همراه با درک فاصله‌های منطقی و طبیعی بین استاد و دانشجو است (معدن‌دار آرانی و پاریاد، ۱۳۹۰). (Levin & Nolan, 1991) معتقدند که مدیریت کلاس اساتید محبوب به نحوی است که کنترل و انضباط در یک فرایند تعاملی بین استاد و دانشجو به وجود می‌آید و دانشجویان در برنامه‌ریزی و سازماندهی کلاس سهیم‌اند؛ مسئولیت اصلی نظارت و کنترل کلاس برعهده مدرس و دانشجویان است؛ قوانین و قواعد مورد استفاده توسط مدرس و با شرکت دانشجویان تدوین می‌شود و اهمیت تفاوت‌های فردی در حد معمول به رسمیت شناخته می‌شود. اساتیدی که چنین شیوه مدیریتی را به کار می‌گیرند، قادرند تا فضای کلاس درس را به جوی مطلوب و انگیزشی تبدیل کنند و نظم و پویایی را در کلاس ایجاد کنند و خلاقیت و مسئولیت‌پذیری دانشجویان را رشد دهند (حسینی، ۱۳۹۵).

محبوبیت اجتماعی اساتید نیز بیانگر توجه به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مدرسان در روابط بین آن‌ها و دانشجویان است. پژوهشگران وجود صفاتی مانند ملایمت، خونگرمی، معاشرتی و راحت بودن با دانشجویان را زمینه‌ساز کسب محبوبیت بیشتر در اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها می‌دانند (Best & Addison, 2001). برخی پژوهشگران نیز معتقدند که مدرسان برای کسب محبوبیت همواره با دو انتخاب روبه‌رو هستند: یکی پذیرش شغل خود به‌عنوان یک حرفه و دیگری پذیرش فراگیران به‌عنوان یک هم‌نوع. استادی که فاقد محبوبیت اجتماعی در بین دانشجویان است، در حقیقت نتوانسته دانشجو را بپذیرد (McLennan, 2006). به بیانی دیگر، اصطلاح محبوبیت اجتماعی را می‌توان نشانگر وجود نوعی اعتبار ذهنی و روانی استاد در نزد دانشجو دانست؛ و باتوجه‌به این که دانشجویان از بُعد جسمی، عقلی - روانی، و اجتماعی بلوغ لازم را به دست آورده‌اند، می‌توان گرایش و تمایلات آن‌ها را بر اساس نوعی اعتبار حقیقی که بر پایه شناخت، باور و دانش متکی است، مورد استناد قرار داد. در این رابطه، (Montalvo

(et al, 2007) معتقدند مدرسانی که از محبوبیت بیشتری برخوردار هستند، توانایی انگیزه‌بخشی بیشتری به فراگیران دارند و محبوبیت اجتماعی، به‌عنوان یک شاخص سازنده در جهت انگیزه‌مندسازی دانشجویان قلمداد می‌شود. در مجموع، شایستگی‌های آموزشی، ارتباطی و انگیزشی؛ کیفیت تدریس؛ و نحوه مدیریت کلاس اساتید و معلمان، بر میزان محبوبیت آن‌ها تأثیرگذار است و اساتید و معلمان که از این شایستگی‌ها برخوردار باشند، نزد فراگیران محبوبیت بیشتری به دست خواهند آورد و به‌تبع آن قادر خواهند بود تا فراگیران را در جهت پیشرفت و حصول اهداف آموزشی انگیزه‌مندتر سازند.

در خصوص انگیزه‌مند ساختن فراگیران، نتایج مطالعات نشان داده‌اند که انگیزش تحصیلی^۱ به‌عنوان یک عامل کلیدی و موتور محرکه، نقش بسزایی در فرایندهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی فراگیران دارد (Karatas & Erden, 2014). اصطلاح انگیزش «Motivation» در اصل از ریشه «Mover» مشتق شده و به معنی تحریک است که به‌عنوان نیروی محرکه رفتارهای آدمی محسوب می‌شود و از جمله مباحثی است که قرن‌ها مورد توجه پژوهشگران بوده است (Barkoukis et al, 2020). انگیزش عاملی است که ما را به حرکت و تکاپو وامی‌دارد و کمک می‌کند تا تکالیف خود را به‌طور مناسبی انجام دهیم (Werner et al, 2019). Luthans (2002) انگیزش را فرایندی می‌داند که با یک نیاز یا کمبود زیستی یا روانی آغاز شده و رفتار هدفمند با انگیزه‌ای را در جهت محرکی خارجی فعال می‌نماید (به نقل از D'Elisa, 2015). از دیدگاه آموزشی، انگیزه، ساختاری چندوجهی است که با یادگیری و پیشرفت تحصیلی مرتبط است و در حوزه آموزش، به‌عنوان یک پدیده سه‌بعدی مطرح می‌شود که شامل باورهای شخصی در باره توانایی انجام فعالیت موردنظر، دلایل یا اهداف فرد برای انجام آن فعالیت، و واکنش عاطفی مرتبط با آن فعالیت می‌باشد (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۸). براین‌اساس، انگیزش تحصیلی به انگیزه‌ها، نیازها و عواملی اطلاق می‌گردد که باعث حضور یک فرد در محیط‌های آموزشی و تلاش در جهت علم‌آموزی و کسب مدرک تحصیلی می‌گردد (Clark & Schroth, 2010). انگیزش تحصیلی را

می‌توان از لحاظ هدف، کیفیت، و مدت‌زمان طبقه‌بندی کرد. از نظر هدف، انگیزه بیرونی و درونی را شامل می‌شود؛ به طوری که بعضی از فراگیران برای رسیدن به منزلت اجتماعی، خشنودسازی دیگران، و یا رسیدن به پاداش‌های بیرونی مانند نمرات خوب برانگیخته می‌شوند. در مقابل، بعضی از فراگیران جهت ارضای نیازهای درونی خود عمل ویژه‌ای را انجام می‌دهند. از نظر کیفیت، انگیزه تحصیلی دو حالت خوشایند و ناخوشایند را شامل می‌شود؛ انگیزه‌های خوشایند، رویدادهای مثبتی هستند که در جهت کسب امتیاز انجام می‌شوند و انگیزه‌های ناخوشایند، رویدادهای منفی و ناخوشایندی هستند که شخص جهت فرار از این عوامل، به تحصیل می‌پردازد. از نظر مدت‌زمان نیز به بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم می‌شود؛ انگیزه‌های تحصیلی کوتاه‌مدت، انگیزه‌های محدودی هستند که برای مدت کوتاهی جزء انگیزه تلقی می‌شوند و بعد از دستیابی به آن یا با تغییر شرایط از بین می‌روند در حالی که انگیزه‌های تحصیلی بلندمدت، طولانی هستند و ممکن است سال‌های سال برای یک فرد انگیزه‌بخش باشند (خدیوی و همکاران، ۱۳۹۲). (Maurer, 2013)، انگیزش تحصیلی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر یادگیری آموزشی و عملکرد تحصیلی عنوان کرده‌اند که فقدان آن، پیشرفت تحصیلی در مراکز آموزش عالی و مدارس را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، انجام فعالیت‌های آموزشی مستلزم خواست و اراده فراگیران می‌باشد و همواره این سؤال مطرح بوده است که فراگیران چرا و چگونه برانگیخته می‌شوند.

به‌منظور بررسی متغیرهای مورد مطالعه، پژوهش‌های انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. ترک‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی که با هدف بررسی رابطه شایستگی‌های مدرسان با تجارب دوره و دستاوردهای تحصیلی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هر چه شایستگی‌های مدرسان دانشگاه فرهنگیان در وضعیت مطلوب‌تر و بهتری قرار داشته باشد، دستاوردهای تحصیلی دانشجویان بیشتر می‌شود. در همین رابطه نبوی و همکاران (۱۳۹۷)، دریافتند که شایستگی تدریس اعضای هیأت علمی بر دستاورد تحصیلی دانشجویان با میانجی‌گری یادگیری مشارکتی اثر مستقیم و معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش عباسی و چاکری (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که مدرس می‌تواند

با اتخاذ روش‌های ساده انگیزه را برانگیزد و در همین راستا موجب جذب فراگیر به کلاس درس شود و در این زمینه شایستگی‌های مدرسان به‌عنوان یک عامل اساسی و تأثیرگذار می‌باشد. در این خصوص، (Blaskova et al, 2014) نیز در تدوین الگوی شایستگی اساتید، شایستگی‌های انگیزشی را یک عامل اساسی دانستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و پیشرفت دانشجویان ایفا می‌کند. (Al-Sharif, 2010) نیز در مطالعه‌ای با عنوان ارزیابی دانشجو معلمان از شایستگی‌های تدریس استادان، به این نتیجه دست یافت که شایستگی‌های تدریس اعضای هیأت علمی و بهبود و گسترش آن به‌عنوان مهم‌ترین عامل انگیزه‌بخش برای آماده کردن یادگیرندگان، باید مورد تأکید قرار گیرد.

علاوه بر این رومانی و همکاران (۱۳۹۸) مشخص ساختند که جایگاه علمی اساتید، نحوه برخورد و ارتباط آنها با دانشجویان، و ویژگی‌های اخلاقی اساتید؛ به طور مؤثری در انگیزش دانشجویان تأثیرگذار است. لازم به ذکر است که یافته‌های پژوهش خاکپور (۱۳۹۵) نیز رابطه مثبت بین اخلاق حرفه‌ای معلمان و انگیزش تحصیلی فراگیران را تأیید می‌کند. به اعتقاد عابدینی و همکاران (۱۳۹۱)، برقراری ارتباط استاد و دانشجو باعث افزایش انگیزه تحصیلی در دانشجویان می‌شود و شخصیت و جنبه‌های اخلاقی استاد، در کنار دانسته‌های علمی و نحوه تدریس می‌تواند در بهبود روابط بین استاد و دانشجو و در نتیجه بهبود فرایند یاددهی و یادگیری مؤثر باشد. در همین راستا، نتایج مطالعه پژوهشی (Aylworth ۲۰۱۲) نیز نشان داد که بین اخلاق حرفه‌ای معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط مثبتی وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش اخلاق حرفه‌ای معلمان، انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. (Barry & Herbert ۲۰۰۵) نیز بر این باورند که ارتباط مناسب و مثبت بین استاد و شاگرد باعث بهبود دستاوردهای فراگیران می‌گردد و این نوع ارتباط می‌تواند باعث تحقق اهداف ارزشمند آموزشی در فرایند آموزش گردد.

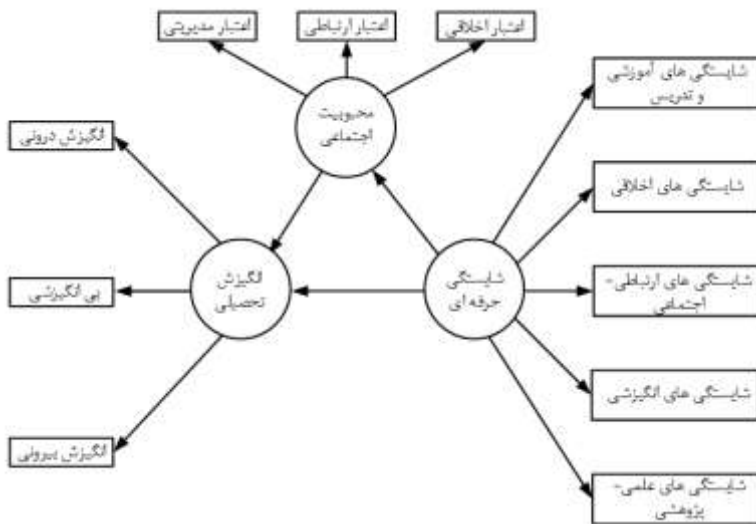
در همین رابطه، (Newberry & Davis ۲۰۰۸) نیز در پژوهشی کیفی به این نتیجه دست یافتند که شایستگی‌های معلمان در تدریس، بر نحوه برقراری ارتباط و ایجاد حس صمیمیت متقابل و همچنین انگیزه‌مند ساختن فراگیران برای

تحصیل مؤثر است. (Montalvo et al, 2007) نیز بر این نکته تأکید دارند که اساتید محبوب قادرند تا بر ارزش‌ها و ادراکات فراگیران تأثیر بگذارند و محبوبیت به صورت یک واسطه و میانجی اثرگذار بر تکالیف درسی و اهداف تحصیلی آنها عمل می‌کند. همچنین Wagner (۲۰۰۸) نیز در تحقیقی که به بررسی ادراک دانش‌آموزان در مورد تدریس معلمان پرداخت، همبستگی بالایی را بین محبوبیت معلمان و کیفیت تدریس آنها و به تبع آن پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گزارش کرده است. یافته‌های پژوهش جمشیدی و روحانی (۱۳۹۳) و حسینی (۱۳۹۵) نیز بر همین امر صحنه گذاشته به طوری که نشان داده است رابطه بین محبوبیت معلمان و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان معنادار می‌باشد و نحوه مدیریت کلاس، رفتار و شیوه‌های ارتباطی معلم، کیفیت تدریس، و جو مناسب کلاسی معلم بر محبوبیت معلمان و همچنین انگیزش تحصیلی فراگیران مؤثر بوده است. علاوه بر این، نتایج پژوهش معدن‌دار آرنی و پاریاد (۱۳۹۰) نیز مؤید آن است که اعتبار ارتباطی و مدیریتی اساتید نقش قابل توجهی بر افزایش محبوبیت اجتماعی آنان دارد. (۲۰۱۸) Fauth et al نیز با توجه به نتایج پژوهش خود بر این باورند که محبوبیت معلمان با شایستگی و کیفیت تدریس و دستاورد دانش‌آموزان مرتبط می‌باشد و مکانیسم‌هایی که معلمان در کلاس درس به کار می‌گیرند سهم منحصر به فردی در ایجاد محبوبیت معلمان دارد. در مجموع و با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهشی، مشخص می‌شود اساتید و معلمانی که از شایستگی و محبوبیت بیشتری برخوردارند، در انگیزه‌بخشی به فراگیران موفق‌تر عمل می‌کنند و می‌توانند به طور اثربخش‌تری رسالت حرفه‌ای خود را انجام دهند.

با توجه به این که دانشجویان در زمره نیروهای پویا و آینده‌ساز کشور می‌باشند که سهم بسزایی در پیشرفت و ترقی جامعه دارند؛ مطالعه و بررسی انگیزه‌های تحصیلی آنان، ایجاد زمینه‌هایی برای بروز استعدادهایشان، و به طور کلی عواملی که بر عملکرد تحصیلی آنها تأثیرگذار می‌باشد، دارای اهمیت است (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۴). انگیزه‌مند شدن دانشجویان در جهت یادگیری، محصول عوامل متعددی است که از آن جمله می‌توان به نقش اساسی اساتید اشاره کرد و یافته‌های پژوهشی نیز که به برخی از آنها اشاره شد نشان می‌دهد اساتیدی که از

شایستگی‌های لازم و کافی در حرفه خود برخوردار باشند، از عهده این نقش بهتر بر خواهند آمد (ترک زاده و همکاران، ۱۳۹۷). مجموع آنچه بیان شد، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق و بررسی متغیرهای مدنظر را آشکار می‌سازد؛ به‌ویژه این که جامعه آماری این پژوهش، دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان هستند که در آینده رسالت مهم معلمی و هدایت آینده‌سازان کشور را بر عهده دارند. لذا شناخت دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها در مورد شایستگی‌ها و محبوبیت اجتماعی مدرسان و انگیزه آن‌ها نسبت به تحصیل در این دانشگاه و ورود به حرفه‌ی معلمی حایز اهمیت است. از این رو، مقاله حاضر را می‌توان جستاری دانست که در صدد پاسخ به این سوال برآمده است که آیا بین شایستگی‌های حرفه‌ای اساتید با میانجی‌گری محبوبیت اجتماعی آن‌ها و انگیزش تحصیلی دانشجو- معلمان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان رابطه مثبتی وجود دارد؟ فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۲- بین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای (شایستگی آموزشی و تدریس، اخلاقی، ارتباطی- اجتماعی، انگیزشی و علمی- پژوهشی)، با انگیزش تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۳- بین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای اساتید با محبوبیت اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۴- بین محبوبیت اجتماعی اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.
 - ۵- بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی باتوجه‌به ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان (جنسیت، سال ورود و ...) تفاوت معناداری وجود دارد.
- با مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهشی، الگوی مفهومی پژوهش، مطابق شکل (۱) ترسیم گردید.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر روش، از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان به تعداد (۳۰۸۰) نفر که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در مراکز آموزشی وابسته به دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان (پردیس پسرانه شهید باهنر، مرکز آموزش عالی دخترانه شهید رجایی، و پردیس دخترانه فاطمه زهرا (س) اصفهان) به تحصیل اشتغال داشته‌اند، تشکیل دادند که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم^۱، ۳۴۲ نفر انتخاب شدند. با توجه به این که جامعه آماری این پژوهش از نظر محل تحصیل، جنسیت و رشته تحصیلی متفاوت بودند و در پنج طبقه آموزش کودکان استثنایی، آموزش ابتدایی، علوم پایه، تربیت بدنی و علوم انسانی از یکدیگر تفکیک شده بودند، بنابراین روش نمونه‌گیری این پژوهش به صورت طبقه‌بندی متناسب با حجم انجام شد و نمونه‌ای متشکل از ۱۸۳ نفر پسر و ۱۵۹ نفر دانشجوی دختر انتخاب شد.

1 . proportional stratified random sampling

جهت گردآوری داده‌ها و سنجش شایستگی حرفه‌ای اساتید از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده گردید که سئوالات آن بر اساس اهداف پژوهش، بررسی پژوهش‌های انجام شده، مبانی نظری موجود و نظرات اساتید و متخصصان مربوطه استخراج گردید. به این نحو که ابتدا سئوالات استخراج شده در اختیار سه تن از اساتید علوم تربیتی قرار گرفت، سپس سئوالات نامناسب و گویه‌های مبهم و تکراری، اصلاح یا حذف شد. در نهایت پس از تأیید روایی محتوایی^۱ و روایی صوری^۲ توسط اساتید علوم تربیتی، این پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه مذکور حاوی ۳۷ گویه می‌باشد که بر اساس مفاهیم عنوان شده و مضامین مربوطه، گویه‌ها مؤلفه‌بندی شد و در پنج مؤلفه شایستگی‌های - آموزشی و تدریس (۱۵ گویه)، شایستگی‌های اخلاقی (۵ گویه)، شایستگی‌های ارتباطی - اجتماعی (۷ گویه)، شایستگی‌های انگیزشی (۵ گویه) و شایستگی‌های علمی - پژوهشی (۵ گویه) دسته‌بندی شد و براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (۱ = خیلی کم، ۲ = کم، ۳ = تا حدودی، ۴ = زیاد و ۵ = خیلی زیاد) تنظیم گردید. به‌منظور اندازه‌گیری انگیزش تحصیلی دانشجویان، پرسش‌نامه استاندارد والرند (۱۹۹۲) مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه حاوی ۲۸ سؤال بسته - پاسخ می‌باشد که سه مؤلفه انگیزش درونی (۱۱ گویه)، انگیزش بیرونی (۱۱ گویه)، و بی انگیزشی (۴ گویه) را بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. برای ارزیابی محبوبیت اجتماعی اساتید، از پرسش‌نامه بازنگری شده معدن‌دار آرانی و پارباد (۱۳۹۰) استفاده شد. پرسش‌نامه اصلی دارای ۳۰ سؤال می‌باشد که در پژوهش حاضر و به‌منظور متناسب‌سازی پرسش‌نامه با ویژگی‌های جامعه مورد بررسی، برخی از سئوالات حذف یا اصلاح گردید و در نهایت با راهنمایی اساتید پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۲۴ سؤال تدوین شد که سه مؤلفه اعتبار اخلاقی (۷ گویه)، اعتبار ارتباطی (۶ گویه)، و اعتبار مدیریتی (۱۱ گویه) را بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت سنجیده است.

- 1 . content validity
- 2 . formal validity



جهت تعیین روایی محتوایی، هر سه پرسش‌نامه در اختیار سه تن از اساتید علوم تربیتی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آنها در مورد پرسش‌نامه اعمال شد و بعد از اصلاح موارد خواسته شده، در نهایت مورد تأیید قرار گرفت. همچنین به منظور تعیین پایایی آزمون، ابتدا پرسش‌نامه‌های مذکور به طور حضوری در بین یک نمونه ۳۰ نفره توزیع شد و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم افزار SPSS-23 برای کل پرسش‌نامه ۹۵/۴٪ محاسبه گردید. بطوری که مقدار آن برای پرسش‌نامه شایستگی حرفه‌ای ۹۴/۹٪ (شایستگی‌های آموزشی و تدریس ۸۹/۸، شایستگی‌های اخلاقی ۸۱/۳، شایستگی‌های ارتباطی-اجتماعی ۸۰/۵، شایستگی‌های انگیزشی ۸۴/۶ و شایستگی‌های علمی-پژوهشی ۸۷/۶)، پرسش‌نامه انگیزش تحصیلی ۸۵٪ (انگیزش درونی ۸۹/۵، بی انگیزشی ۸۵/۲ و انگیزش بیرونی ۸۸) و محبوبیت اجتماعی ۹۲/۴٪ (اعتبار اخلاقی ۷۸/۴، اعتبار ارتباطی ۷۸/۱ و اعتبار مدیریتی ۸۸/۶) درصد به دست آمد. باتوجه به این که در پژوهش‌های علوم انسانی، ضریب آلفای بالاتر از ۷۵٪ قابل قبول است لذا می‌توان گفت پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در این پژوهش از پایایی ابزار قابل قبولی برخوردار بوده است. پس از تهیه و تدوین پرسش‌نامه‌ها و تأیید روایی و پایایی آنها، برای جمع‌آوری داده‌ها، به مراکز آموزشی مورد نظر مراجعه گردید و هماهنگی‌های لازم جهت توزیع پرسش‌نامه صورت گرفت. ولی به دلیل آغاز شیوع بیماری کرونا (COVID-19) و عدم دسترسی مستقیم به دانشجویان پرسش‌نامه به شکل الکترونیکی تهیه شد و از طریق گروه‌های درسی و شبکه‌های مجازی در اختیار دانشجویان هر سه مرکز قرار گرفت و از این طریق ۳۸۶ پرسش‌نامه، تکمیل و دریافت گردید که از این بین، ۳۴۲ پرسش‌نامه متناسب‌سازی و انتخاب شد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS-23 و AMOS^۲ در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان بر اساس فراوانی و درصد فراوانی در جدول ۱، ارائه شده است.

- 1 . Statistical Package for Social Science
- 2 . partial least squares

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی نمونه

جنس		گروه‌ها		مرد	زن	جمع
		فراوانی		۱۸۳	۱۵۹	۳۴۲
		درصد		۵۳/۵	۴۶/۵	۱۰۰٪
بومی و غیر بومی		گروه‌ها		بومی	غیر بومی	جمع
		فراوانی		۲۴۰	۱۰۲	۳۴۲
		درصد		۷۰/۲	۲۹/۸	۱۰۰٪
دانشکده محل تحصیل		گروه‌ها		پردیس باهنر	فاطمه زهرا شهید رجائی	جمع
		فراوانی		۱۸۳	۹۹	۳۴۲
		درصد		۵۳/۵	۲۹	۱۷/۵
سال ورود		گروه‌ها		۱۳۹۵	۱۳۹۶	جمع
		فراوانی		۸۰	۵۶	۳۴۲
		درصد		۲۳/۴	۱۶/۴	۲۸/۹
رشته تحصیلی		گروه‌ها		کودکان استثنائی	آموزش ابتدایی	جمع
		فراوانی		۳۲	۱۵۸	۳۴۲
		درصد		۹/۴	۴۶/۲	۲۵/۱
						علوم انسانی
						تربیت بدنی
						علوم پایه
						شهادت
						۴۸
						۱۸
						۱۴
						۵/۳
						۲۵/۱
						۴۶/۲
						۹/۴
						۱۰۰٪

جدول ۲، شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش را بر اساس میانگین و انحراف معیار و همچنین میزان همبستگی آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج همبستگی بین متغیرها، میانگین و انحراف معیارها

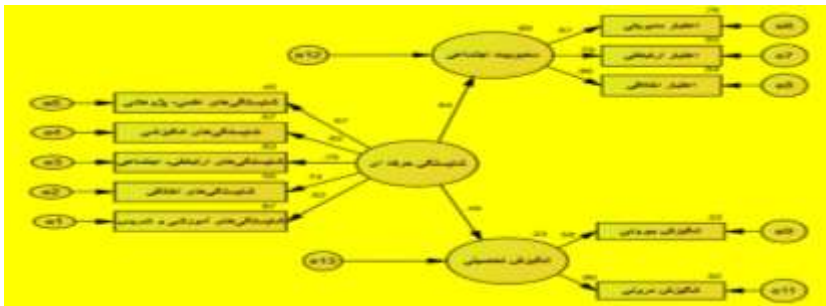
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	شایستگی حرفه‌ای	محبوبیت اجتماعی	انگیزش تحصیلی
شایستگی حرفه‌ای	۳/۰۹	۰/۵۸	۱		
محبوبیت اجتماعی	۳/۱۶	۰/۶۰	۰/۷۹۳	۱	
انگیزش تحصیلی	۳/۴۱	۰/۴۹	۰/۳۲۶	۰/۳۳۵	۱

همان طور که ملاحظه می‌شود نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین هر یک از متغیرها در حد مطلوب (بالتر از میانگین فرضی ۳) می‌باشد و بین متغیرها همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. باتوجه به این که هدف پژوهش حاضر تأیید فرضیه‌های پژوهش است، از نرم‌افزار Amos که مبتنی بر رویکرد کواریانس است و قابلیت بررسی چندین متغیر میانجی به صورت همزمان در یک مدل را دارد، استفاده شده است.

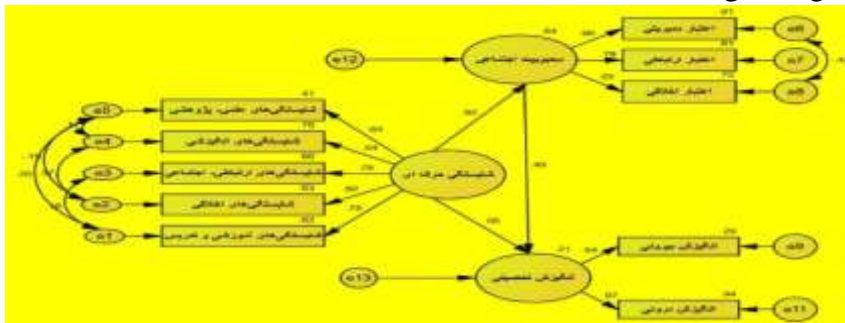
به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی، مدل مفهومی پژوهش پس از این که شاخص‌های برآزش مناسب تشخیص داده شد، استخراج گردید. بر اساس مدل مفهومی به دست آمده در شکل ۲، ابتدا این رابطه بدون در نظر گرفتن نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید نشان داده شده است.



شکل ۲ مدل مفهومی پژوهش بدون در نظر گرفتن نقش میانجی محبوبیت اجتماعی

باتوجه به مدل مفهومی شکل ۲ می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شایستگی حرفه‌ای اساتید به طور مستقیم و بدون در نظر گرفتن نقش متغیر میانجی محبوبیت اجتماعی به میزان ۴۸٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار بوده است. همچنین شایستگی حرفه‌ای به میزان ۹۴٪ بر محبوبیت اجتماعی اساتید تأثیر داشته است.

در ادامه، مدل مفهومی رابطه بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با در نظر گرفتن نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش با در نظر گرفتن نقش میانجی متغیر محبوبیت اجتماعی



باتوجه به مدل مفهومی در شکل ۳، شایستگی حرفه‌ای اساتید با حضور متغیر میانجی محبوبیت اجتماعی فقط به میزان ۶٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیر داشته است و در این رابطه متغیر میانجی محبوبیت اجتماعی به میزان ۴۰٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار بوده است. بنابراین باتوجه به نتایج به دست آمده رابطه مثبت و معنادار بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید تأیید می‌گردد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

RMS EA	RMR	CFI	TLI	χ^2/df	df	χ^2	شاخص برازش
۰/۰۴۲	۰/۰۲۹	۰/۹۵	۰/۹۷	۳/۳۷	۱۱۲	۱۷۹/۳۷	مدل مفهومی بدون متغیر میانجی
۰/۰۴۱	۰/۰۳۱	۰/۹۷	۰/۹۷	۳/۳۳	۱۰۸	۱۶۹/۹۱	مدل مفهومی با حضور متغیر میانجی
<۰/۰۸	<۰/۰۵	>۰/۹	>۰/۹	<۵	--	--	برازش مناسب

نتایج جدول ۳ بیانگر آن است که مقادیر کای-اسکوئر (χ^2) بدون متغیر میانجی ۱۷۹/۳۷ و درجه آزادی (df) ۱۱۲ و با حضور متغیر میانجی ۱۶۹/۹۱ و درجه آزادی ۱۰۸ بر اساس شاخص‌های توکر-لوپس (TLI)، برازش تطبیقی (CFI)، ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده (RMR) و ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) در حد قابل قبول هستند. بر این اساس، مدل مفهومی دارای برازش خوبی با داده‌ها است و مورد تأیید می‌باشد.

در بررسی فرضیه دوم مبنی بر این که بین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای اساتید (شایستگی آموزشی و تدریس، اخلاقی، ارتباطی-اجتماعی، انگیزشی و علمی-پژوهشی)، با انگیزش تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده آن است که شایستگی انگیزشی اساتید به میزان ۱۹۵٪ و شایستگی علمی پژوهشی اساتید به میزان ۱۷۵٪ تأثیر مثبت و معناداری بر

انگیزش تحصیلی دانشجویان داشته است. در حالی که شایستگی‌های آموزشی و تدریس، اخلاقی و ارتباطی - اجتماعی اساتید تأثیر معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان نداشته است.

جدول ۴. بررسی اثرات مستقیم مدل فرضی پژوهش

فاصله اطمینان			اثر مستقیم	فرضیه‌های پژوهش
P	بوت‌استرپینگ			
	حد بالا	حد پایین		
.۵۸	.۲۹۹	-.۱۶۹	.۰۴۵	تأثیر شایستگی‌های آموزشی و تدریس اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان
.۶۳	.۳۸۲	-.۶۲۹	-.۰۳۴	تأثیر شایستگی‌های اخلاقی اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان
.۹۷	.۴۲۶	-.۴۱۳	.۰۰۲	تأثیر شایستگی‌های ارتباطی - اجتماعی اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان
.۰۱۳	۱/۱۳	.۱۳۶	.۱۹۵	تأثیر شایستگی‌های انگیزشی اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان
.۰۱۱	.۹۸۲	.۱۲۹	.۱۷۵	تأثیر شایستگی‌های علمی - پژوهشی اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان

در بررسی فرضیه سوم مبنی بر این که بین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای اساتید با محبوبیت اجتماعی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، نتایج مندرج در جدول ۵ نشان‌دهنده آن است که شایستگی اخلاقی، ارتباطی-اجتماعی و انگیزشی اساتید تأثیر مثبت و معناداری بر محبوبیت اجتماعی اساتید داشته است. در حالی که شایستگی آموزشی - تدریس و شایستگی علمی-پژوهشی اساتید تأثیر معناداری بر محبوبیت اجتماعی اساتید نداشته است.

جدول ۵. بررسی اثرات مستقیم مدل فرضی پژوهش

P	فاصله اطمینان		اثر مستقیم	فرضیه‌های پژوهش
	حد بالا	حد پایین		
.۱۶	.۳۰۱	-.۰۴۳	۰/۰۸۷	تأثیر شایستگی‌های آموزشی و تدریس اساتید بر محبوبیت اجتماعی
.۰۰۱	۱/۴۷۸	.۸۱۵	.۱۷۴	تأثیر شایستگی‌های اخلاقی اساتید بر محبوبیت اجتماعی اساتید
.۰۰۱	.۸۹۳	.۳۱۱	.۱۵۲	تأثیر شایستگی‌های ارتباطی-اجتماعی بر محبوبیت اجتماعی اساتید
.۰۰۱	۱/۵۵۱	.۸۶۱	.۱۸	تأثیر شایستگی‌های انگیزشی بر محبوبیت اجتماعی اساتید
.۰۹۱	.۵۴	-.۰۳۷	.۱۴۸	تأثیر شایستگی‌های علمی- پژوهشی بر محبوبیت اجتماعی اساتید

در بررسی فرضیه چهارم مبنی بر این که بین محبوبیت اجتماعی اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، نتایج به‌دست‌آمده از روابط بین متغیرهای پژوهش در جدول ۶ نشان‌دهنده آن است که محبوبیت اجتماعی اساتید تأثیر مثبت و معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان داشته است.

جدول ۶. بررسی اثرات مستقیم مدل فرضی پژوهش

P	فاصله اطمینان		اثر مستقیم	فرضیه‌های پژوهش
	حد بالا	حد پایین		
.۰/۰۰۱	۰/۳۹	۰/۱۸	۰/۲۹	تأثیر محبوبیت اجتماعی اساتید بر انگیزش تحصیلی دانشجویان

همچنین یافته‌های جدول ۷ که براساس مدل مفهومی و بار عاملی متغیرهای پژوهش و به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی دانشجویان (جنسیت، محل سکونت و ...) استخراج گردیده است، تفاوت معناداری را بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان در مورد ارتباط بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد و براین اساس، این فرضیه نیز تأیید گردید.

جدول ۷. خلاصه نتایج شکل‌های مدل مفهومی بر حسب بار عاملی متغیرهای پژوهش به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

بار عاملی	متغیرهای جمعیت‌شناختی												
	جنسیت		محل سکونت		سال ورود				رشته تحصیلی				
	مرد	زن	بومی	غیر بومی	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	استثنایی	ابتدایی	علوم پایه	تربیت بدنی	علوم انسانی
شایستگی	۰.۹۵	۰.۸۷	۰.۸۹	۰.۹۵	۰.۹۵	۰.۸۶	۰.۹۱	۰.۹۰	۰.۹۷	۰.۹۱	۰.۹۸	۰.۹۰	۰.۸۷
انگیزش	۰.۰۹	۰.۱۲	۰.۲۳	۰.۴۰	۰.۱۰	-۰.۱۶	-۰.۵۳	-۰.۲۸	۰.۹۹	۰.۳۰	-۰.۰۲	۰.۸۸	۰.۳۹
محبوبیت	۰.۲۳	۰.۴۰	۰.۱۰	۰.۹۶	۰.۲۱	۰.۵۹	-۰.۳۸	-۰.۲۴	-۰.۴۰	۰.۱۰	۰.۶۰	-۰.۷۴	۰.۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان انجام شد که به این منظور، دو مدل مفهومی یکبار بدون در نظر گرفتن متغیر میانجی و بار دیگر با در نظر گرفتن متغیر میانجی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که شایستگی حرفه‌ای اساتید به طور مستقیم و بدون در نظر گرفتن نقش میانجی محبوبیت اجتماعی به میزان ۴۸٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان و به میزان ۹۴٪ بر محبوبیت اجتماعی اساتید تأثیر داشته است. در حالی که شایستگی حرفه‌ای اساتید با حضور متغیر میانجی محبوبیت اجتماعی فقط به میزان ۶٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیر داشته است و



در این رابطه متغیر میانجی محبوبیت اجتماعی به میزان ۴۰٪ بر انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیر گذار بوده است. علاوه بر این، نتایج حاصل از ماتریس همبستگی گویای آن است که بین مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای و انگیزش تحصیلی دانشجویان ($r = 0.326, p < 0.01$)؛ و مؤلفه‌های محبوبیت اجتماعی اساتید و انگیزش تحصیلی دانشجویان ($r = 0.335, p < 0.01$)؛ همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که بین شایستگی حرفه‌ای و انگیزش تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی محبوبیت اجتماعی اساتید رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه محقق مبتنی بر تأثیر گذار بودن نقش میانجی محبوبیت اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. در تبیین این یافته می‌توان چنین استدلال کرد که اگرچه شایستگی حرفه‌ای اساتید به طور مستقیم می‌تواند بر انگیزش تحصیلی دانشجویان مؤثر باشد ولی با در نظر گرفتن محبوبیت اجتماعی اساتید به عنوان متغیر میانجی، انگیزش تحصیلی دانشجویان بیش تر از آن که تحت تأثیر شایستگی حرفه‌ای اساتید باشد از محبوبیت اجتماعی آنها تأثیر می‌پذیرد. بنابراین بر اساس این یافته می‌توان گفت که محبوبیت اجتماعی اساتید به عنوان یک سازه کلیدی و سازنده می‌تواند باعث افزایش انگیزش تحصیلی دانشجویان شود.

با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش مشخص شد که شایستگی انگیزشی و علمی پژوهشی اساتید تأثیر مثبت و معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان داشته است. در حالیکه شایستگی آموزشی و تدریس، شایستگی اخلاقی و شایستگی ارتباطی - اجتماعی اساتید تأثیر معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان نداشته است. این یافته را می‌توان با نتایج به دست آمده از پژوهش ترک زاده و همکاران (۱۳۹۷)، نبوی و همکاران (۱۳۹۷)، Barry & Herbert (۲۰۰۵)، Ugbe & Agim (۲۰۰۹) و Ugoani (۲۰۱۲) مبنی بر وجود رابطه معنادار بین شایستگی مدرسان و دستاوردهای تحصیلی دانشجویان و یافته (Blaskova et al, 2014)، مبنی بر مؤثر بودن شایستگی‌های انگیزشی اساتید در موفقیت دانشجویان، همسو دانست. این در حالی است که نتایج به دست آمده از پژوهش خاکپور (۱۳۹۵) و Aylworth (۲۰۱۲)، مبنی بر رابطه مثبت بین اخلاق حرفه‌ای معلمان و انگیزش دانش‌آموزان، Newberry & Davis (۲۰۰۸)، مبنی بر ارتباط

معنادار بین شایستگی‌های رفتاری و ارتباطی معلمان با انگیزش دانش‌آموزان، عابدینی و همکاران (۱۳۹۱)، عباسی و چاکری (۱۳۹۷) و رومانی (رومانی نام نویسنده ایرانی است) و همکاران (۱۳۹۸) مبنی بر ارتباط مثبت بین شایستگی‌های ارتباطی و اخلاقی اساتید و معلمان با انگیزش تحصیلی، با نتایج تحقیق حاضر همسویی ندارد.

باتوجه به یافته‌های به‌دست‌آمده مبتنی بر این که شایستگی انگیزشی و علمی- پژوهشی اساتید تأثیر مثبت و معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان داشته است، می‌توان چنین استنباط کرد که به کارگیری راه‌کارها و شیوه‌های انگیزه‌بخش در آموزش و مدیریت کلاس توسط اساتید به‌عنوان یک عامل مؤثر در انگیزه‌بخشی به دانشجویان محسوب می‌شود و این مهم زمانی بیشتر محقق می‌شود که اساتید به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش و انگیزه‌آفرین عمل کنند (Blaskova & et al, 2014) این امر، متعاقباً دانشجویان را نسبت به تحصیل و ورود به حرفه خطیر معلمی انگیزه‌مند و مصمم‌تر می‌سازد. همچنین مشخص شد که از دیدگاه دانشجویان، شایستگی علمی و پژوهشی در افزایش انگیزش تحصیلی آن‌ها مؤثر بوده است. این یافته بیانگر آن است که در دنیای متحول و پر شتاب امروزی به‌ویژه در عرصه تعلیم و تربیت نقش شایستگی‌های علمی و پژوهشی ارزشمند است و توانایی‌های علمی و پژوهشی اساتید بر دانشجویان پوشیده نمی‌ماند. بنابراین لازم است تا شایستگی‌های علمی و پژوهشی اساتید به‌عنوان یک عامل انگیزه‌بخش، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین مؤلفه‌های شایستگی اخلاقی، ارتباطی- اجتماعی و آموزشی- تدریس با انگیزش تحصیلی دانشجویان می‌باشد. باتوجه به این یافته و براساس آن چه در مبانی نظری مطرح گردید، مبنی بر این که ارتباطات و تعاملات اجتماعی و نقش الگویی اساتید یک عامل مهم در انگیزه‌بخشی به دانشجویان می‌باشد، بنابراین لازم است تا دانشگاه فرهنگیان تمهیدات و برنامه‌های مناسبی را در جهت افزایش و تقویت این دسته شایستگی‌ها ایجاد کند تا اساتید باتکیه بر آن گام‌های مؤثرتری در جهت افزایش انگیزش تحصیلی دانشجو معلمان و تحقق بهتر اهداف آموزشی بردارند. چرا که کیفیت کار علمی در دانشگاه‌ها بیش از هر چیز به پویایی و کارآیی و شایستگی

اعضای هیأت علمی در حوزه‌هایی مانند کیفیت تدریس آن‌ها، مهارت‌های پژوهشی و ارتباطی، مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های دانش‌پژوهانه و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای بستگی دارد. بنابراین برای کارآمدی و اثربخشی دانشگاه‌ها و پاسخگویی به رسالت‌های چند بعدی دانشگاه و تحقق اهداف چندگانه آن، اساتید به توانایی و شایستگی در زمینه ارائه خدمات آموزشی، حوزه‌های ارتباطات اثربخش، پژوهش و همچنین دانش و نگرش مثبت نسبت به اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌های اجتماعی نیاز دارند (هددی، ۱۳۹۷).

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۵ مشخص شد که شایستگی اخلاقی، ارتباطی- اجتماعی و شایستگی انگیزشی اساتید تأثیر معناداری بر محبوبیت اجتماعی اساتید داشته است در حالی که شایستگی آموزشی و تدریس و شایستگی علمی پژوهشی اساتید تأثیر معناداری بر محبوبیت اجتماعی اساتید نداشته است. این یافته را می‌توان با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش معدن‌دار آرنی و پارباد (۱۳۹۰) مبنی بر این که اعتبار اخلاقی و ارتباطی اساتید منجر به افزایش محبوبیت اجتماعی آن‌ها می‌شود و یافته‌های حسینی (۱۳۹۵) که مؤید رابطه مثبت بین نحوه رفتار و ارتباط معلمان با محبوبیت آنهاست، همسو دانست. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین استنباط کرد که محبوبیت معلمان با شایستگی و کیفیت تدریس و دستاورد تحصیلی فراگیران مرتبط می‌باشد و سازوکارهایی که معلمان در کلاس درس به کار می‌گیرند، سهم منحصر به فردی در ایجاد محبوبیت آن‌ها دارد. بنابراین معلمانی که شایستگی بیشتری دارند، محبوب‌ترند و می‌توانند کلاس را بهتر اداره کنند (Fauth et al, 2018). همچنین اساتیدی که گرایش بیشتری به رابطه‌مداری و اخلاق‌مداری دارند، به شخصیت و نظرات دانشجویان خود اهمیت می‌دهند، در کلاس آن‌ها روابط غیررسمی و دوستانه برقرار است، شخصیتی خونگرم و صمیمی دارند، و درک درستی از نیازهای فراگیران و توجه به موقعیت‌های آن‌ها دارند، از محبوبیت بیشتری برخوردار هستند (میرکمالی، ۱۳۸۳). باتوجه به این که یک استاد شایسته باید دارای ویژگی‌های متعددی باشد تا قادر به افزایش اعتبار خود و دانشگاه شود، بنابراین، بهبود فعالیت‌های اعضای هیأت علمی در زمینه کارهای پژوهشی، تقویت مهارت‌ها و شایستگی‌های آموزشی و تدریس و توانایی

مدیریت و سازماندهی فرایندهای آموزشی و گروهی ضروری به نظر می‌رسد (هددی، ۱۳۹۷).

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۶، محبوبیت اجتماعی اساتید تأثیر مثبت و معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان داشته است. این یافته را می‌توان با نتایج پژوهش‌های جمشیدی و روحانی (۱۳۹۳)، حسینی (۱۳۹۵)، (Montalvo et al, 2007) و (Fauth et al, 2018) مبنی بر این که محبوبیت معلمان تأثیر بالقوه و شایان توجهی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دارد، همسو دانست. بر این مبنای می‌توان گفت اگر استاد، در اداره کلاس خود رفتاری دوستانه و نیز به شیوه تدریس مناسب و پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی توجه لازم را داشته باشد، می‌تواند به انگیزه و عملکرد بهتر دانشجویان کمک کند. نتایج تحقیقات (Barry & Herbert, 2005)، عابدینی و همکاران (۱۳۹۱) و عباسی و چاکری (۱۳۹۷)، نیز بیانگر آن است که ارتباط مثبت و مناسب اساتید و معلمان و برنامه‌های آموزشی اثربخش باعث افزایش انگیزه و پیشرفت عملکرد دانش‌آموزان و دانشجویان می‌گردد. در تبیین این یافته، با توجه به رویکرد اجتماعی- فرهنگی و رویکرد مدل انسانی، می‌توان چنین گفت که نحوه ارتباط افراد با یکدیگر، داشتن روابط دوستانه، و قرار گرفتن در یک محیط حمایت‌کننده، به افزایش انگیزه افراد منجر می‌شود. در نتیجه، آشکار است که رابطه مثبت و مؤثر بین استاد و دانشجو، یکی از اساسی‌ترین عوامل در ایجاد موفقیت در تحقق اهداف آموزشی و پژوهشی است که می‌تواند وضعیت مناسبی برای پژوهش و تحصیل بهتر دانشجویان فراهم آورد و فضایی ایجاد کند که دانشجویان در آن استعدادهای بالقوه خود را بشناسند و در جهت توانایی‌های حرفه‌ای و شخصی خود به بهترین شیوه گام بردارند که در نتیجه به افزایش انگیزه تحصیلی آن‌ها منجر خواهد شد (سلیمی و خداپرست، ۱۳۹۴). هرچه قدر اساتید و معلمان از محبوبیت بیشتری نزد دانشجویان و دانش‌آموزان برخوردار باشند، میزان تأثیرگذاری آن‌ها بیشتر خواهد بود (Montalvo et al, 2007). به‌ویژه این که اساتید و معلمان با دانشجویان و دانش‌آموزان در ارتباط مستقیم هستند و می‌توانند با نفوذ در قلوب آن‌ها، زمینه‌های همکاری و هماهنگی و در نتیجه پیشرفت تحصیلی ایشان را بیش از پیش فراهم سازند. در دانشگاه فرهنگیان نیز فرصت‌هایی مانند

کلاس‌های عملی وجود دارد که دانشجویان و استادان در محیطی متفاوت از کلاس‌های نظری در کنار یکدیگر حضور می‌یابند و صمیمیت بیشتری میان آن‌ها ایجاد می‌شود. تدریس دروس عملی به‌عنوان بخشی از برنامه کاری استادان این دانشگاه و رغبت دانشجویان و استادان برای حضور در این کلاس‌ها می‌تواند بر این روابط تأثیرگذار باشد؛ چرا که جو کلاس‌های عملی و فضای صمیمی تر آن می‌تواند برای دانشجویان یک حمایت اجتماعی مهم و یک احساس خودارزشمندی تلقی شود که منجر به افزایش اعتماد به نفس و انگیزه تحصیلی بیشتر آنها می‌شود (رومانی (رومانی نام نویسنده ایرانی است) و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته‌های جدول (۷) نیز نشان داد که تفاوت معناداری بین دیدگاه دانشجویان با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی وجود دارد به طوری که بار عاملی متغیرهای پژوهش برای پسران به ترتیب شایستگی حرفه‌ای (۰/۹۵)، انگیزش تحصیلی (۰/۰۹) و محبوبیت اجتماعی (۰/۳۳) و برای دختران به ترتیب شایستگی حرفه‌ای (۰/۸۷)، انگیزش تحصیلی (۰/۱۲) و محبوبیت اجتماعی (۰/۴۰) به دست آمد. بر اساس مقایسه به عمل آمده می‌توان گفت شایستگی حرفه‌ای اساتید از نظر دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر بیشتر اهمیت داشته است در حالی که محبوبیت اجتماعی اساتید از نظر دانشجویان دختر برجسته‌تر بوده است. این یافته، حاکی از آن است که توجه بیشتر دختران به محبوبیت اجتماعی می‌تولند ناشی از روحیه عاطفی دختران باشد و یا این که در مراکز آموزشی دخترانه، اساتید روابط صمیمی‌تر و دوستانه‌ای با دانشجویان داشته‌اند. براساس این یافته، دیدگاه دانشجویان پسر و دختر در مورد انگیزش تحصیلی تقریباً یکسان بوده است. همچنین بار عاملی متغیرهای پژوهش برای دانشجویان بومی به ترتیب شایستگی حرفه‌ای (۰/۸۹)، انگیزش تحصیلی (۰/۳۳) و محبوبیت اجتماعی (۰/۱۰) و برای دانشجویان غیر بومی به ترتیب شایستگی حرفه‌ای (۰/۹۵)، انگیزش تحصیلی (۰/۴۰) و محبوبیت اجتماعی (۰/۹۶) به دست آمد. این نکته بیانگر آن است که دیدگاه دانشجویان بومی و غیر بومی در این رابطه متفاوت می‌باشد. بر اساس مقایسه به عمل آمده می‌توان گفت شایستگی حرفه‌ای اساتید و انگیزش تحصیلی از نظر دانشجویان بومی و غیر بومی تقریباً به یک میزان اهمیت داشته است در حالی که محبوبیت اجتماعی اساتید از

نظر دانشجویان غیر بومی (۹۶٪) در مقایسه با دانشجویان بومی (۱۰٪) دارای اهمیت چشمگیرتری بوده است. در تبیین این یافته می‌توان چنین استنباط کرد که دلیل اهمیت داشتن محبوبیت اجتماعی اساتید نزد دانشجویان غیر بومی به‌خاطر دوری از خانواده و شرایط زندگی خوابگاهی بوده است که این امر باعث شده تا این دانشجویان برای جبران فقدان عاطفی خانواده، بیشتر نیازمند جلب حمایت عاطفی و روابط صمیمی با اساتید باشند.

علاوه بر این، سال ورود دانشجویان نیز در این رابطه تأثیرگذار بوده است به گونه‌ای که بار عاملی متغیرهای پژوهش برای دانشجویان ورودی سال‌های مختلف، تفاوت معناداری را نشان داد. بر اساس مقایسه به عمل آمده مشخص شد که شایستگی حرفه‌ای اساتید از نظر دانشجویان ورودی سال‌های مختلف تقریباً به یک میزان اهمیت داشته است در حالی که اهمیت انگیزش تحصیلی و محبوبیت اجتماعی اساتید از نظر دانشجویان ورودی سال‌های مختلف تفاوت زیادی داشته است. در تبیین این یافته می‌توان چنین استنباط کرد که شاید نحوه پذیرش دانشجو در سال‌های مختلف منجر به ایجاد این تفاوت شده است.

همچنین باتوجه به نتایج حاصله از مدل مفهومی مندرج در جدول ۷ مشخص شد که رشته تحصیلی دانشجویان نیز در این رابطه تأثیرگذار بوده است به این صورت که شایستگی حرفه‌ای اساتید از نظر دانشجویان در رشته‌های تحصیلی مختلف تقریباً به یک میزان اهمیت داشته است. در حالی که اهمیت انگیزش تحصیلی و محبوبیت اجتماعی اساتید از نظر دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت زیادی داشته است؛ به طوری که میزان اهمیت انگیزش تحصیلی از نظر دانشجویان رشته تربیت بدنی بسیار بالا و در مقابل میزان اهمیت انگیزش تحصیلی از نظر دانشجویان رشته علوم پایه در حد بسیار پایینی بوده است. همچنین میزان اهمیت محبوبیت اجتماعی اساتید از نظر دانشجویان رشته‌های علوم پایه در مقایسه با سایر رشته‌ها بسیار بیشتر بوده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بالا بودن انگیزش تحصیلی دانشجویان رشته تربیت بدنی به دلیل عملی بودن اغلب واحدهای درسی آن‌ها است که به خودی خود بر روحیه مثبت آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد و بنابراین کمتر نیازمند حمایت عاطفی اساتید می‌باشند. این در حالی است که اغلب



واحدهای درسی دانشجویان رشته علوم پایه به صورت تئوری می‌باشد و به دلیل این که محتوای این دروس و یا جو حاکم بر کلاس درس، خشک و بی‌روح است، دانشجویان از انگیزه کمتری برخوردارند و تمایل بیشتری به برقراری ارتباط عاطفی با اساتید خود دارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان از لحاظ کاربردی پیشنهاد داد که در انتخاب اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان به ملاک‌های شایستگی و محبوبیت اجتماعی آنها بیش از پیش توجه شود و باتوجه به این که یافته‌های پژوهش نشان داد که شایستگی‌های ارتباطی- اجتماعی، اخلاقی، آموزشی و تدریس اساتید تأثیر معناداری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان نداشته است، دانشگاه فرهنگیان به منظور اثربخشی بیشتر، به این جنبه از مؤلفه‌های شایستگی اساتید توجه بیشتری مبذول دارد. همچنین اساتید دانشگاه فرهنگیان به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر انگیزش تحصیلی دانشجویان، شیوه‌های آموزشی و انگیزشی، راهبردهای تدریس، و محتوای دروس خود را مورد تجدید نظر قرار دهند.

در خصوص انجام پژوهش‌های آتی نیز، باتوجه به این که مشخص شد اعتبار مدیریتی در افزایش محبوبیت اجتماعی اساتید نقش قابل توجهی دارد، پیشنهاد می‌گردد که رابطه سبک‌های مدیریتی و رهبری کلاس با محبوبیت اجتماعی اساتید مورد تحقیق قرار گیرد. همچنین باتوجه به این که جامعه آماری این تحقیق را فقط دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان تشکیل داده است لذا جهت بررسی دقیق‌تر موضوع، پژوهشی از این نوع در سطح دانشگاه فرهنگیان کل کشور انجام پذیرد. علاوه بر این، به دلیل آن که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در بدو ورود به استخدام آموزش و پرورش در می‌آیند و دغدغه شغلی ندارند، پیشنهاد می‌شود جهت بررسی و مقایسه دیدگاه دانشجویان متعهد و آزاد در مورد موضوع مورد نظر، تحقیقی از این نوع در دانشگاه‌های دولتی و آزاد نیز انجام پذیرد.

The role of professors 'professional competencies on students' academic motivation mediated by social popularity: A case study of Isfahan Farhangian University campuses

Abstract

Professional competence and social popularity of professors and at the same time students' academic motivation can be considered as three basic components in improving educational processes. In this regard, the present study was conducted to investigate the relationship between professors' professional competence and students' academic motivation with the mediating role of teachers' social popularity. The method of this research is descriptive-correlation and its statistical population consisted of all students of Farhangian University of Isfahan in the academic year 2019-2020 in the number of 3080 people who were selected using Krejcie-Morgan table and stratified sampling method proportional to the sample size of 342 people. To collect the data, a researcher-made questionnaire of professors' professional competence, standard questionnaire of motivation, education of Walrand and a revised questionnaire of social popularity professors from Madandar Arani and Paryad were used. The validity of the questionnaire was confirmed by professors in the field of educational sciences and Cronbach's alpha method was used for the reliability of the questionnaire. In order to analyze the data, descriptive and inferential statistics were used by SPSS and AMOS statistical software. The results of data analysis showed that there is a direct relationship between professors' professional competence and students' academic motivation ($P < .01$) and the social popularity variable mediates this relationship significantly ($P < .01$). According to the obtained results, it can be concluded that the professional competence and social popularity of professors have an effective role in strengthening the academic motivation of students. Therefore, it is suggested that the results of the present study be used as a framework to improve faculty performance to enhance students' academic motivation.

Keywords: professional competence, academic motivation, social popularity, Farhangian University, descriptive-correlation.

منابع

- اسدی، ر؛ افروز، غ؛ غباری بناب، ب؛ و قاسم زاده، س. (۱۳۹۴). رابطه رضایت زناشویی والدین با میزان محبوبیت آنان در نزد فرزندان با و بدون آسیب شنوایی. *فصلنامه توانمند سازی کودکان*. ۶(۳)، ۸۲ - ۹۰.
- اسلمی، م؛ اسمعیلی، ز؛ سعیدی پور، ب؛ و سرمدی، م. (۱۳۹۷). تبیین شایستگی‌های مدرسان در محیط یادگیری الکترونیک. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۱۱(۲)، ۱۵ - ۲۴.
- ترابی، ا؛ و ظهیری، م. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در برقراری ارتباط بین استاد و دانشجو از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. *مجله علمی پزشکی جندی شاپور*. ۱۱(۵)، ۵۴۹ - ۵۵۷.
- ترک زاده، ج؛ مرزوقی، ر؛ محمدی، م؛ و کرماج، و.ا. (۱۳۹۷). رابطه شایستگی‌های مدرسان با تجارب دوره و دستاوردهای تحصیلی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان. *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*. ۶(۱)، ۹۹ - ۱۱۹.
- جمشیدی، ه؛ و روحانی، ف. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر محبوبیت معلمان بر پیشرفت تحصیل دانش آموزان دختر، سال اول دوره دوم متوسطه شهرستان ساری. *نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی*. مرودشت، آذرماه.
- حسینی، ه. (۱۳۹۵). *واکاوی نگرش دانش آموزان نسبت به محبوبیت معلمان و تاثیر آن بر انگیزه تحصیلی دانش آموزان دوره اول متوسطه ناحیه ۳ شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشکده اقتصاد و مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.
- خاکپور، ع. (۱۳۹۵). نقش اخلاق حرفه‌ای معلمان در تقویت انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی*. ۴(۳)، ۴۷ - ۶۱.
- خدیبی، ا؛ بوداقی، ن و کوشافر، ع.ا. (۱۳۹۲). *رابطه رهبری کاریزماتیک اعضای هیأت علمی با انگیزش تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز*. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها. شیراز، دی ماه.

رضائیان، م؛ زارع بیدکی، م؛ باختر، م و هادی مقدم، م. (۱۳۹۴). بررسی خودکارآمدی پژوهشی در دانشجویان دوره کاروزی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۲. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۱۴(۲)، ۱۲۴ - ۱۱۱.

رومانی، س؛ عالی پور، ک؛ و فرخی، ص. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل بی انگیزگی تحصیلی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان: رویکرد پدیدارشناسی. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۱۲(۱)، ۵۷-۴۵.

سلامی، ف و صمدی، پ. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر در ارتباط کیفیت مدار استاد و دانشجو. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. ۱۴(۱)، ۱۳۴-۱۲۱.

سلیمی، م و خداپرست، م. (۱۳۹۴). اثر ارتباط استاد دانشجو بر انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی. *پژوهش در ورزش دانشگاهی*. ۹(۹)، ۱۲۶-۱۰۹.

علبدینی، م. ر؛ عباسی، ع؛ مرتضوی، ف؛ و بیجاری، ب. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در برقراری ارتباط بین دانشجویان و اساتید از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. ۱۲(۶)، ۴۴۷-۴۳۹.

عابدینی مزرعه، س؛ افروز، غ؛ باغداساریانس، آ؛ و تجلی، پ. (۱۳۹۷). رابطه رضایت مندی زوجیت و محبوبیت والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندان. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*. ۶۱(۱)، ۱۶۳-۱۵۴.

عباسی، ح.ر؛ و چاکری، ف. (۱۳۹۷). نقش معلم در انگیزش تحصیلی دانش آموزان. *یازدهمین کنفرانس بین المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی*. تهران، تیرماه.

کریمیان، ح؛ آراسته، ح. ر؛ بهرنگی، م.ر؛ و زین آبادی، ح. ر. (۱۳۹۷). طراحی و تبیین چارچوب شایستگی‌های حرفه‌ای دانشجو معلمان دوره ابتدایی دانشگاه فرهنگیان. *نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۱۱(۵)، ۱۹۰-۱۷۸.

لقمانی، ا. (۱۳۸۵). *موضوعات و شیوه‌های گفتگو با نسل جوان*. بهشت بینش.

معدن دار آرنی، ع؛ و پاریاد، ر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه محبوبیت اجتماعی اعضای هیأت علمی با ارزشیابی دانشجویان از آنان در دانشگاه لرستان. *دو فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۳(۴)، ۱۱۶-۹۷.



- معین، م. (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی دکتر محمد معین (تک جلدی). سرایش. مکتسول، ج. س. (۲۰۱۱). محبوب همگان باشید. (م. قضا، مترجم). پیکان. میرکمالی، س. م. (۱۳۸۳). رهبری و مدیریت آموزشی. نشر یسطرون.
- نبوی، س. م؛ امین بیدختی، ع. ا و جعفری، س. (۱۳۹۷). نقش میانجی یادگیری مشارکتی در رابطه شایستگی تدریس و صلاحیت حرفه‌ای اعضای هیأت علمی با دستاورد تحصیلی دانشجویان. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*. (۱)۶، ۱۶۴-۱۴۵.
- هددی، ب. (۱۳۹۷). *الگوی جامع شایستگی، توسعه حرفه‌ای و توانمندسازی اعضای هیأت علمی*. آکادمیک.
- یوزباشی، ع. ر؛ و پژوهی، س. (۱۳۹۷). شناسایی شایستگی‌های حرفه‌ای اساتید در محیط‌های آموزش الکترونیک (تکنیک دلفی). *فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*. ۹(۲)، ۲۶-۵.
- یوسفی، ع؛ قاسمی، غ. ر و فیروز نیا، س. (۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*. ۹(۱)، ۸۵-۷۹.
- Al-Sharif, E. M. (2010). Evaluation of student / teacher teaching competencies in the curricula and teaching methods of motor expression in the light of quality academic standards. *World Journal of Sport Sciences*, 3 (s), 331- 358.
- Aylworth, A.J. (2012). *Professional learning communities: An analysis of teacher perception in a PLC and the relationship with student academic achievement*. (Ph. D., Iowa State University).
- Barkoukis, V., Lazuras, L., Ourda, D., & Tsorbatzoudis, H. (2020). Are nutritional supplements a gateway to doping use in competitive team sports? The roles of achievement goals and motivational regulations. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 23(6), 625-632.
- Barry, J & Herbert, J. (2005). Research on teacher– student relationships and learning environments: Context, retrospect and prospect, *International Journal of Educational Research*. 43, 103–109.

- Best, J. B. & Addison, W. E. (2001). A preliminary study of perceived warmth of professor and student evaluations. *Teaching of Psychology*, 27 (1), 60- 64.
- Blaskova, M., Blasko, R., & Kucharcíková, A. (2014). Competences and Competence Model of University Teachers. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 159 (23) 457- 467.
- Blaskova, M., Blasko, R., Figurska, I., & Sokol, A. (2015). Motivation and development of the university teachers' motivational competence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 182, 116- 126.
- Clark, M.H. & Schroth, C.A. (2010). Examining relationships between academic motivation and personality among college students. *Journal of Learning and Individual Differences*, 20, 19-24.
- D'Elisa, T. (2015). *Student motivation: Teacher perceptions, beliefs and practices*. Retrieved June 7, 2016, from Philadelphia College of Osteopathic Medicine <http://digitalcommons.pcom.edu/>
- Fauth, B· Decristan, J ·Rieser, S·Klieme, E & Büttner, G. (2018). Exploring teacher popularity: associations with teacher characteristics and student outcomes in primary school. *Social Psychology of Education*, 21, 1225- 1249.
- Karatas, H. & Erden, M. (2014). Academic Motivation: Gender, Domain and Grade Differences. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 143, 708- 715.
- Maurer, W.T.; Allen, D.; Bell Gatch, D.; Shankar, P. & Sturges, D. (2013). A comparison of student academic motivations across three course disciplines. *Journal of the Scholarship of Teaching and Learning*, 13 (5), 77- 89.
- McLennan, S. (2006). Moral and spiritual inquiry in the academic classroom. *Journal of College & Character*. 7, 1- 10.
- Miranada, steel, (2015). Oxford word power dictionary, Jangal Publication.
- Montalvo, G. P., Mansfield, E. A. & Miller, R. B. (2007). Liking or disliking the teacher: Student motivation, engagement and achievement. *Evaluation and Research in Education*, 20 (7), 144-158.
- Mulder, M. (2014). Conceptions of Professional Competence. In: S. Billett, C. Harteis, H. Gruber (Eds). *International Handbook of*

- Research in Professional and Practice-based Learning. *Dordrecht: Springer*, 107- 137.
- Nair, P. (2017). *A Study on identifying Teaching Competencies and Factors Affecting Teaching Competencies with Special Reference to MBA Institutes in Gujarat (PhD Thesis)*. Gujarat Technological University.
- Newberry, M., & H. A. Davis. (2008). *The role of elementary teachers' conceptions of closeness to students on their Differential behaviour in the classroom*. Teaching and Teacher Education.
- Perrenoud, P. (2013). Desenvolver competências ou ensinar saberes? *A escola que prepara para a vida [Developing competencies or teaching knowledge? The school that prepares for life] (L. S. Pereira, Trans)*. Porto Alegre, RS: Editora Penso.
- Scott BA and Judge TA (2009). The popularity con-test at work: Who wins, why, and what do they receive? *Journal of Applied Psychology*, 94: 20- 33.
- Ugbe, A. U. & Agim, J. I. (2009). Influence of teachers' competence on student's academic performance in senior secondary school chemistry. *Global Journal of Educational Research*, 8(1-2), 61- 66.
- Ugoani, J. N. N. (2012). An Analysis of the Relationship between Teachers' Competencies and Effective Basic Education Management in Nigeria. *Global Journal of Educational Research*, 7(1), 1- 18.
- Velasco PJ, Learreta B, Kober C. & Tan I (2014). *Faculty perspective development in HigherEducation: An international study*. *Higher Learning Research Communications*, 4(4), 85-100
- Wagner, W. (2008). *Methodenprobleme bei der Analyse von Unterrichtswahrnehmung aus Schülersicht (Methodological issues in analysing students' perceptions of teaching)*. Doctoral dissertation. Germany: University of Koblenz-Landau. Retrieved from <http://d-nb.info/987591800/34>. Accessed 31 Oct 2017.
- Werner, K. M., Milyavskaya, M., Klimo, R., & Levine, S. L. (2019). Examining the unique and combined effects of grit, trait self-control, and conscientiousness in predicting motivation for

academic goals: A commonality analysis. *Journal of Research in Personality*, 81, 168-175.